



سیرانه گروه تحلیل – امید ایرانی – در آغاز سده نوزدهم، نقشه اقتصادی جهان چهاری کاملاً متفاوت با آنچه امروز می شناسسیم داشت. در سال ۱۸۲۰، چین با سهمی معادل ۲۸.۶ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان، بی‌منازع در صدر قرار داشت؛ جایگاهی که بازتاب‌دهنده شبیکه گسترده تجارت، نظام مالی کارآمد مبتنی بر نقره و جمعیت عظیم این امپراتوری بود. با این حال، نسیم تحول‌آفرین انقلاب صنعتی که از دل اروپا برخاسته بود، به زودی ورق‌های این نظم کهن را برای همیشه بر هم زد. افق‌های جدیدی گشوده شد که در آن، قدرت اقتصادی دیگر با وسعت خاک یا شمار جمعیت سنجیده نمی‌شد، بلکه با نرخ تولید زغال‌سنگ، طول خطوط آهن و شمار ماشین‌بخارهای فعال معنا می‌یافت. در میانه‌های همان قرن، امپراتوری بریتانیا که مهد انقلاب صنعتی بود، با تکیه بر برتری فناوریانه، شبیکه گسترده مستعمرات و تسلط بر مسیرهای دریایی، توانست در سال ۱۸۴۵ سهم خود را به رقم حیرت‌انگیز ۲۳.۸ درصد از کل تولید جهانی برساند؛ یعنی نزدیک به یک‌چهارم کل ثروت کره زمین در اختیار جزیره‌ای نسبتاً کوچک در شمال غربی اروپا قرار گرفت. این دوران، اوج شکوفایی عصر «پکس بریتانیکا» بود که در آن، منسوجات کارخانه‌های منچستر، چدن‌های بیرمنگام و کشتی‌های بخار گلاسکو، معیار سنجش قدرت ملی به شمار می‌رفتند و پوند استرلینگ، بی‌رقابت‌ترین ارز تجارت جهانی محسوب می‌شد.

با این وجود، تسلط اروپا بر نظم اقتصادی سده نوزدهم هرگز به انحصار بریتانیا ختم نشد. فرانسه با بهره‌گیری از سرمایه‌داری بانک‌محور خود، آلمان با اتکا بر صنایع سنگین و شیمیایی و ایتالیا و روسیه تزاری با سرعتی هر چند محتاطانه‌تر، در زمره قدرت‌های صنعتی نو ظهور جای گرفتند. در آستانه جنگ جهانی اول، آلمان موفق شد با سهمی بالغ بر ۸.۸ درصد و فرانسه با ۶.۶ درصد از تولید جهانی، وزن قابل توجهی در معادلات اقتصادی جهان به خود اختصاص دهند. این رقابت فشرده صنعتی میان قدرت‌های اروپایی، نه تنها موتور محرک رشد اقتصادی آن قاره بود، بلکه بستر شکل‌گیری رقابت‌های استعماری و نظامی را نیز فراهم آورد. با وقوع جنگ جهانی اول، اقتصاد اروپا که تا پیش از آن مرکز ثقل جهان به شمار می‌رفت، با ویرانی‌های بی‌سابقه و هزینه‌های سنگین مالی روبه‌رو شد

و زمینه برای بازیگری جدیدی که در آن سوی اقیانوس اطلس در حال پوست‌اندازی بود، بیش از پیش مهیا گشت. ایالات متحده که در سال ۱۸۲۰ سهمی ناچیز یعنی تنها ۲.۳ درصد از اقتصاد جهان را در اختیار داشت، با بهره‌گیری از منابع طبیعی بکر، جذب موج عظیم مهاجران ماهر، حمایت‌گری تعرفه‌ای از صنایع نوپا و سرمایه‌گذاری گسترده در خطوط راه‌آهن و فولاد، گام در مسیری صعودی نهاد که نقطه اوج آن در میانه جنگ جهانی دوم به وقوع پیوست.

در سال ۱۹۴۴، هم‌زمان با برگزاری کنفرانس برتون وودز که نظم مالی جدیدی را برای جهان پس از جنگ ترسیم می‌کرد، سهم ایالات متحده از تولید ناخالص داخلی جهانی به رکورد شکفت‌انگیز ۲۹.۷ درصد رسید؛ رقمی که تا به امروز، بالاترین سهم ثبت‌شده برای یک اقتصاد در دوران مدرن محسوب می‌شود. این اوج‌گیری نه یک پیروزی اتفاقی، بلکه حاصل چند دهه سیاست‌گذاری هوشمندانه، نوآوری بی‌وقفه صنعتی و تبدیل شدن دلار به ستون اصلی نظام پولی بین‌المللی بود. تسلط آمریکا بر صنایع کلیدی نظیر خودروسازی، هوافضا، الکترونیک و پتروشیمی، همراه با نقش محوری آن در بازسازی اروپا از طریق طرح مارشال، «قرن آمریکایی» را از یک رویای سیاسی به یک واقعیت انکارناپذیر اقتصادی بدل ساخت. در سوی مقابل این جهان دو قطبی، اتحاد جماهیر شوروی با الگوی اقتصادی متمرکز، برنامه‌ریزی پنج‌ساله و اولویت‌دهی مطلق به صنایع سنگین و نظامی، توانست در سال ۱۹۵۶ به اوج نسبی ۱۰.۲ درصدی از تولید جهانی دست یابد. هرچند این موفقیت آماری، پنهان‌کننده ناکارآمدی‌های ساختاری، کمبود کالاهای مصرفی و وابستگی شدید به نفت و گاز بود، اما برای چند دهه، تصویر رقابتی جدی در برابر بلوک غرب ترسیم کرد. در همین گیرودار، اروپای تخریب‌شده از جنگ برای بازیابی وزن از دست‌رفته خود، ایده همکاری اقتصادی را در پیش گرفت و با تشکیل جامعه زغال‌سنگ و فولاد و سپس جامعه اقتصادی اروپا، گام‌های نخستین برای ایجاد اتحادیه‌ای را برداشت که نهایتاً در سال ۲۰۰۷ با سهم ۱۷.۹ درصدی از تولید جهانی به اوج خود رسید، هرچند این وزن با خروج بریتانیا از اتحادیه به دهه ۲۰۲۰ و کاهش نرخ رشد جمعیت و بهره‌وری در قاره سبز، روندی نزولی چشمگیر به خود گرفت.

اما شاید عجیب‌ترین واقعه اقتصادی دو سده اخیر،

«سرآمد» تحلیل می‌دهد؛

چرخش خاموش ثروت

واکاو‌ی سیر انتقال قدرت اقتصادی در دوسده اخیر

اسمی آن بر اساس دلار جاری کمتر از ۱۸ درصد برآورد می‌شود. این تمایز، اهمیت انتخاب معیار سنجش را در روایت‌های تاریخی و آینده‌پژوهی آشکار می‌سازد. با این حال، حتی این روش شناسی پیشرفته نیز از آسیب‌پذیری در برابر تغییر سال‌های پایه آماری، بازنگری دوره‌ای در شاخص‌های قیمت و نبود آمار موثق برای بسیاری از کشورها در سده‌های نوزدهم و اوایل بیستم مصون نیست و به‌روزرسانی‌های مکرر در پایگاه‌های داده، گاه بازبینی‌های ده‌درصدی در برآورد‌های تاریخی را رقم می‌زند که می‌تواند روایت خطی تاریخ اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهد.

در میان این فراز و نشیب‌ها، برخی قدرت‌های اقتصادی پدیده‌های موقتی و زودگذر بوده‌اند. اتحاد جماهیر شوروی که در سال ۱۹۵۶ با ۱۰.۲ درصد به اوج خود رسید، امروز تنها ۲.۹ درصد از تولید جهان را در اختیار دارد و این افول، روایتی عبرت‌آموز از شکنندگی قدرت‌های مبتنی بر منابع طبیعی و اقتصاد دستوری بدون انعطاف‌پذیری نهادی ارائه می‌دهد. اتحادیه اروپا با کاهش سهم از ۱۷.۹ درصد در سال ۲۰۰۷ به ۱۲.۳ درصد در سال ۲۰۲۵، نشان می‌دهد که کهنسالی جمعیتی، افزایش هزینه‌های رفاهی و کاهش سرعت نوآوری در مقایسه با رقبای آسیایی و آمریکایی، می‌تواند وزنه تاریخی یک قاره را به تدریج سبک تر کند. در مقابل، هند با رشد سهمی بیش از دو برابری در شش دهه اخیر، الگویی از توسعه متوازن ارائه می‌دهد که نه صرفاً مبتنی بر صنعت سنگین یا صادرات ارزان‌قیمت، بلکه بر سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی آموزش‌دیده، اقتصاد دیجیتال و خدمات مالی استوار است. آنچه از این مرور تاریخی به دست می‌آید، نه یک جابه‌جایی ساده و خطی از شرق به غرب و بازگشت مجدد به شرق، بلکه شبیکه‌ای پیچیده از تعاملات فناوریانه، جنگ‌ها، اتحاد‌های سیاسی، تغییرات جمعیتی و تحولات نهادی است که هر یک در برهه‌ای خاص، وزنه‌ای جدید بر کفه یکی از این قدرت‌ها نهاده و آن را از دیگری سبک تر یا سنگین تر ساخته است. قدرت اقتصادی، برخلاف تصور عام، هرگز یک دارایی ثابت و موروثی نبوده و دروازه‌های آن همواره به روی بازیگرانی که بتوانند خود را با موج‌های نوآوری، انطباق نهادی و تغییرات جمعیتی هماهنگ سازند، گشوده خواهد بود. امروز، با ورود به عصر هوش مصنوعی، انرژی‌های تجدیدپذیر، بیوتکنولوژی و اقتصاد مبتنی بسر داده، بار دیگر در آستانه تحولی بزرگ ایستاده‌ایم که شاید تا سال ۲۰۵۰، چهره فعلی این نمودار را به کلی دگرگون سازد و کشورهایی که امروز در حاشیه قرار دارند، فردا در مرکز ثقل اقتصادی جهان جای گیرند. تاریخ اقتصادی بشر، همچون رودخانه‌ای خروشان، هیچ‌گاه در یک بستر ثابت جریان نمی‌یابد و این، بزرگ‌ترین درس دو قرن پرنوسان گذشته برای همه سیاست‌گذاران، سرمایه‌گذاران و شهروندان جهان امروز است.

۲۱۸ درصد از جهان را در اختیار دارد، در حالی که سهم



مدیر کل اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان هرمزگان:

طرح توسعه گردشگری در ساحل مکسر تهیه می‌شود

مدیر کل اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان هرمزگان، گفت: مطالعات جامع توسعه گردشگری در ساحل مکسر توسط پیمانکار مربوطه آغاز شده است که پس از پایان مطالعات، برنامه ریزی جامع برای شروع طرح ها و پروژه های گردشگری که گام نخست آن ساخت زیرساختهای اولیه خواهد بود، شروع می شود. عادل شهرزاد در گفت و گو با خبرنگار اقتصاد سرآمد با بیان اینکه ساحل مکسر واقع در شرق استان هرمزگان یکی از منحصر به فردترین جاذبه های گردشگری دریایی و ساحلی استان محسوب می شود، گفت: طی سالیهای اخیر شاهد حضور چشمگیر گردشگران و تورهای طبیعت گردی در این سواحل بوده ایم. مدیر کل اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان هرمزگان، افزود: لذا با توجه به استقبال گسترده گردشگران برای بازدید از جاذبه طبیعی، توسعه زیرساختهای گردشگری و ایجاد زمینه جذب سرمایه گذاران بخش خصوصی در سواحل مکسر در دستور کار قرار گرفته است.

وی بیان داشت: در همین راستا مطالعات جامع توسعه گردشگری در ساحل مکسر توسط پیمانکار مربوطه آغاز شده است که پس از پایان مطالعات، برنامه ریزی جامع برای شروع طرح ها و پروژه های گردشگری که گام نخست آن ساخت زیرساختهای اولیه خواهد بود، شروع می شود. به گفته شهرزاد، به منظور تهیه طرح جامع گردشگری ساحل مکسر در مرحله شروع مطالعات، ۱۰ میلیارد ریال از محل منابع استانی به این پروژه مهم توریسم دریایی و ساحلی استان هرمزگان تخصیص یافته است که امیدواریم در ادامه نیز شاهد تخصیص اعتبارات بیشتر به این پروژه باشیم. این مقام مسئول در استان هرمزگان یادآور شد: طرح جامعه توسعه گردشگری در ساحل مکسر بر اساس توسعه پایدار و همزمان با حفاظت محیط زیست تهیه و اجرایی خواهد شد که توجه به این مهم در اولویت پروژه های اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان قرار دارد.

وی در ادامه گفته های خود همچنین از پرداخت مبلغ ۲۲۴ میلیارد ریال تسهیلات در چارچوب اعتبارات بند ب تبصره ۱۵ به طرح‌های فعال و واجد شرایط در حوزه گردشگری استان هرمزگان از ابتدای اسمال خبر داد و گفت: این تسهیلات در ۱۲ طرح در بخش‌های سفره‌خانه‌های سنتی، دفاتر خدمات مسافرتی و گردشگری، مجتمع‌های گردشگری و همچنین راهنمایان گردشگری اختصاص یافته است. مدیر کل اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان هرمزگان، تأکید کرد: هدف از ارائه این منابع مالی، حمایت از فعالان این صنعت، تقویت زیرساخت‌های گردشگری و ارتقای کیفیت خدمات ارائه‌شده به مسافران و گردشگران است



پنج‌شنبه-۲۹مرداد۱۴۰۵- سال دوازدهم- شماره ۲۵۶۲

اقتصاد دریا

شیلات

ممنوعیت دوماهه صید ماهی شیر در آب‌های استان بوشهر



مدیر کل شیلات استان بوشهر گفت: صید ماهی شیر با روش گوشگیر از ۲۵ مردادماه تا ۲۵ مهرماه در آب‌های خلیج فارس و دریای عمان ممنوع است. به گزارش اقتصادسرآمد، عقیل امینی در جمع خبرنگاران با اشاره به مصوبات دهمین اجلاس کمیسیون منطقه‌ای ماهیگیری خلیج فارس اظهار کرد: بر اساس تصمیمات اتخاذشده در این اجلاس و با هدف صیانت از ذخایر آبزیان، صید ماهی شیر با روش گوشگیر در آب‌های استان بوشهر ممنوع شده است.

وی افزود: این ممنوعیت از ۲۵ مردادماه آغاز شده و تا ۲۵ مهرماه ادامه خواهد داشت و رعایت آن برای جامعه صیادی ضروری است.

مدیرکل شیلات استان بوشهر با بیان اینکه این تصمیم در چارچوب مدیریت مسئولانه منابع آبی اتخاذ شده است، گفت: اعمال محدودیت‌های زمانی در صید گونه‌های ارزشمند دریایی، یکی از ابزارهای مدیریت ذخایر و کمک به تداوم بهره‌برداری پایدار از منابع آبی است.

امینی تصریح کرد: اجرای دقیق این مصوبه می‌تواند در حفظ و تقویت ذخایر ماهی شیر و فراهم کردن زمینه برای تداوم فعالیت‌های صیادی در سال‌های آینده مؤثر باشد.

وی با تأکید بر نقش جامعه صیادی در اجرای برنامه‌های حفاظتی خاطر نشان کرد: صیادان، تشکل‌های صیادی و سایر بهره‌برداران بخش شیلات، نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت برنامه‌های مدیریت و حفاظت از ذخایر دریایی دارند.

تولید انبوه دافنی و موینا؛

ظرفیتی برای کاهش هزینه و توسعه صنعت ماهیان زینتی لرستان



رئیس کار گروه ماهیان زینتی لرستان گفت: دافنی ماگنا و موینا از مهم‌ترین غذاهای زنده مورد استفاده در تکثیر و پرورش ماهیان زینتی هستند که تولید انبوه آنها می‌تواند ذخایر بر تأمین پایدار خوراک مورد نیاز، به کاهش هزینه‌های تولید و توسعه صنعت ماهیان زینتی در استان کمک کند.

به گزارش اقتصادسرآمد، غلامحسین اکبری با ایستنا، اظهار کرد: دافنی ماگنا و موینا به دلیل اندازه مناسب، قابلیت هضم بالا و ارزش غذایی مطلوب، به‌ویژه برای تغذیه لاروها و ماهیان جوان ماهیان زینتی بسیار مناسب هستند.

وی خاطر نشان کرد: در مراحل اولیه رشد، بسیاری از لاروهای ماهیان زینتی هنوز توانایی مصرف مناسب خوراک‌های خشک را ندارند و به غذای زنده نیاز دارند، بنابراین استفاده از دافنی می‌تواند در افزایش نرخ بقا، رشد بهتر، یکنواختی رشد و بهبود کیفیت ماهیان مؤثر باشد.

رئیس کار گروه ماهیان زینتی لرستان ادامه داد: از سوی دیگر، تولید انبوه دافنسی و موینا موجب می‌شود وابستگی تولیدکنندگان به خوراک‌های زنده خریداری‌شده از خارج از مجموعه کاهش یابد و یک منبع پایدار، در دسترس و نسبتاً کم‌هزینه برای واحدهای تکثیر و پرورش فراهم شود.

اکبری با بیان اینکه میزان کاهش هزینه در واحدهای مختلف متفاوت است، تصریح کرد: میزان صرفه‌جویی به عواملی همچون نوع ماهی، مرحله رشد، تراکم، قیمت خوراک تجاری و میزان مصرف غذای زنده بستگی دارد و نمی‌توان یک درصد ثابت برای همه مزارع و واحدهای تولیدی اعلام کرد.

وی بیان کرد: با این حال، از نظر اقتصادی، تولید داخلی دافنسی و موینا می‌تواند سهم قابل توجهی از هزینه خوراک در بخش تکثیر و پرورش اولیه ماهیان زینتی را کاهش دهد؛ چراکه هزینه‌های خرید، حمل‌ونقل و تأمین مستمر غذای زنده حذف یا محدود می‌شود. رئیس کار گروه ماهیان زینتی لرستان تأکید کرد: دافنی قرار نیست در تمام مراحل پرورش و برای همه ماهیان، جایگزین کامل جیره غذایی شود، بلکه بیشترین ارزش اقتصادی آن در مرحله تکثیر، پرورش لارو و مراحل ابتدایی رشد است. اکبری خاطر نشان کرد: اگر تولید دافنی و موینا با مدیریت علمی، تراکم مناسب و استفاده بهینه از مواد غذایی انجام شود، می‌تواند به کاهش هزینه تمام‌شده و افزایش حاشیه سود تولیدکنندگان ماهیان زینتی کمک کند.